



کمیته تخصصی محتوای آموزشی و پرورشی  
برنامه درسی ملی

نگاشت دوم  
پیش نویس غیر قابل استناد

ناظران:

۱. آقای دکتر حسن ملکی
۲. آقای دکتر علیرضا عصاره

اسامی اعضای کمیته:

- |                        |                              |
|------------------------|------------------------------|
| مسئول کمیته            | ۱. خانم میترا دانشور         |
| عضو کمیته کاری و تخصصی | ۲. خانم آمنه احمدی           |
| عضو کمیته تخصصی        | ۳. خانم دکتر بهناز مرجانی    |
| عضو کمیته تخصصی        | ۴. خانم فاطمه رضائی          |
| عضو کمیته کاری و تخصصی | ۵. آقای احمد غلامحسینی       |
| عضو کمیته کاری و تخصصی | ۶. حجت الاسلام علی ذوعلم     |
| عضو کمیته تخصصی        | ۷. حجت الاسلام همایون صدوقی  |
| عضو کمیته تخصصی        | ۸. مهندس محسن جعفرآبادی      |
| عضو کمیته تخصصی        | ۹. آقای محمود امانی طهرانی   |
| عضو کمیته تخصصی        | ۱۰. آقای دکتر وحید عالمیان   |
| عضو کمیته تخصصی        | ۱۱. آقای محمدرضا مقدادی      |
| عضو کمیته تخصصی        | ۱۲. آقای دکتر علی اعظم خسروی |

### متخصصان تولید بیانیه‌های حوزه‌های یادگیری

عنوان حوزه‌ی یادگیری	موضوعات درسی	متخصص تولیدکننده‌ی بیانیه
تفکر و حکمت		آقای دکتریحیی قائدی
قرآن و معارف اسلامی	قرآن / عربی، دینی، اخلاق	آقای دکتر محمد مهدی اعتصامی
زبان و ادبیات	زبان و ادبیات فارسی	آقای دکتر محمد رضا سنگری - آقای دکتر فریدون اکبری
	زبان‌های خارجی	آقای دکتر عباسعلی رضایی
فرهنگ و هنر	هنر (نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، نمایش، قصه‌گویی و ...)	خانم فریبا شاپوریان
سلامت و تربیت بدنی	تربیت بدنی، بهداشت و سلامت	آقای دکتر علیرضا رضانی
کار و فن آوری	کار، فناوری اطلاعات و ارتباطات	آقای مهندس محمد نشاسته ریز، آقای دکتر مهدی اسماعیلی
علوم انسانی و مطالعات اجتماعی	علوم اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و ...	خانم آمنه احمدی
ریاضیات	حساب، جبر، هندسه، آمار و احتمالات، و ...	آقای دکتر وحید عالمیان
علوم تجربی	زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک، زمین‌شناسی و ...	آقای محمود امانی طهرانی
آداب و مهارت‌های زندگی	دروس تلفیقی، دروس پرورشی	آقای حجت الاسلام دکتر فرهادیان

#### هماهنگ کننده‌ی بیانیه‌ها:

میترا دانشور، آمنه احمدی، احمد غلامحسینی

## باسمه تعالی

### ۳/۳- محتوای آموزشی و پرورشی:

محتوای برنامه‌ی درسی در بین عناصر و مؤلفه‌های نظام آموزشی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. از طریق محتوای آموزشی که نظام آموزشی به طور مستقیم با شخصیت متربیان مرتبط می‌شود و آثار گوناگونی در روح و روان آنان بر جا می‌گذارد. این عنصر به دلیل ویژگی‌ها و ماهیت خود از دیدگاه فلسفی و باورهای برنامه اثر می‌پذیرد و به همین دلیل تعیین سیاست‌های کلی و اصول مبنایی انتخاب محتوا در برنامه‌های درسی نظام آموزشی کشور ضرورت پیدا می‌کند.

محتوای آموزشی و پرورشی نظام آموزش و پرورش در سه بخش اصلی به شرح زیر تبیین می‌شود.

- صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
- حوزه‌های یادگیری
- آموزش‌های گروه‌های ویژه

### ۳/۴- اصول انتخاب و سازماندهی محتوا

اصول مورد تاکید برنامه در انتخاب و سازماندهی محتوا براساس مبنای برنامه به شرح زیر می‌باشند. این اصول معیارهایی هستند که علاوه بر انتخاب محتوا در سطح برنامه‌ی درسی ملی، معیارهای اساسی انتخاب و سازماندهی محتوای سطح بعدی برنامه‌ریزی را نیز مشخص می‌سازند.

#### ۳/۴/۱- ارتباط چند وجهی و یادگیری یکپارچه

انتخاب و سازماندهی محتوا باید به گونه‌ای باشد که متربیان را برای ارتباط در ابعاد چهارگانه‌ی ارتباط با خود، خدا، خلق، خلقت (طبیعت و ماوراء الطبیعه) و حتی الامکان در اشکال مختلف تفکر و تعقل، ایمان، علم، کار و عمل و تلاش، و اخلاق به صورت یکپارچه رشد دهد.

#### ۳/۴/۲- درونی‌سازی

انتخاب و سازماندهی محتوای آموزشی و پرورشی برنامه‌ی درسی ملی و برنامه‌های درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری باید فرصت کسب تجربیات جدیدی که موقعیت تربیتی را نسبت به موقعیت قبلی بهبود و توسعه خواهد داد فراهم سازد. تجربیات تدارک دیده شده باید در عرصه‌ی علم، عمل، و اخلاق به صورت یکپارچه و بهم پیوسته ارائه شود تا زمینه‌ی کسب معرفت و در نتیجه شکل‌گیری دو صلاحیت محوری یعنی تفکر و تعقل، و ایمان را فراهم کند.

### ۳/۴/۳ - اولویت صلاحیت‌های مشترک

صلاحیت‌های مشترک که در قالب دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های اساسی بیان می‌شوند و بستر اصلی دستیابی به مراتب حیات طیبه می‌باشند باید در سازماندهی محتوای برنامه‌ی درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری حضور و بروز داشته و چگونگی تحقق آن‌ها در مراحل گذر و دوره‌ها به وضوح مشخص شوند.

### ۳/۴/۴ - تنوع و تعدد منابع، روش‌ها و فرصت‌های یادگیری

از آن‌جا که ظرفیت وجودی متریان با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک در فرایند کسب و توسعه‌ی ظرفیت‌های وجودی به شیوه‌ی متفاوت (سبک‌های یادگیری و شناختی و...) عمل می‌نمایند، لذا در انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه‌ی درسی، باید فرصت‌های متنوعی برای متریان و دست‌اندرکاران امر تربیت جهت بکارگیری راهبردهای آموزش و ارزشیابی، و منابع متعدد و متنوع یادگیری (مواد و رسانه‌های آموزشی، فضا و اشخاص) فراهم شود، این امر باید تفاوت‌های اجتماعی و جنسیتی را نیز شامل شود.

### ۳/۴/۵ - تداوم زمانی یادگیری

یادگیری امری دائمی و وابسته به موقعیت منحصربه‌فرد هر متربی است لذا محتوا باید به گونه‌ای انتخاب و سازماندهی شود که علاوه بر استفاده از زمان رسمی، امکان بهره‌گیری از زمان غیررسمی - داخل و خارج مدرسه - را مبتنی بر علایق متریان فراهم آورد. این امر امکان آنکه متریان بر مبنای انگیزه‌ی درونی خود به یادگیری مبادرت نمایند را فراهم نموده و زمینه‌ی تبدیل آنان به یادگیرندگان مستقل و مادام‌العمر را فراهم می‌کند.

### ۳/۴/۶ - تعادل و جامعیت

محتوای برنامه‌ی درسی باید ابعاد وجودی انسان را شامل شده و در توسعه و تعالی همه‌جانبه‌ی متریان مؤثر باشد لذا در انتخاب و سازماندهی محتوای برنامه‌ی درسی باید نیازهای متریان به صورت جامع و متعادل در هر یک از دوره‌ها و سطوح مورد توجه قرار گیرد.

### ۳/۴/۷ - مشارکت

پاسخگویی به تفاوت متریان در فرایند تربیت نیازمند مشارکت مستقیم و مؤثر مجریان می‌باشد، لذا در انتخاب و سازماندهی محتوای تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی برنامه‌ی درسی ملی باید از مشارکت سطوح مختلف (صف و ستاد) استفاده نمود. بخش نیمه تجویزی و غیرتجویزی محتوا باید پاسخگوی تفاوت‌هایی چون دوزبانگی، قومیت، دین و مذهب، و... باشد. لذا از طریق اختصاص درصدی از انتخاب محتوا در برنامه‌ی درسی هر یک از حوزه‌های یادگیری یا اختصاص زمان در جدول ساعات درسی به استان، منطقه و مدرسه می‌توان زمینه‌ی مشارکت بیشتر مجریان را فراهم نمود.

#### ۳/۴/۸ - اهمیت

در انتخاب و سازماندهی محتوا باید ایده‌های کلیدی و فرایندهای اساسی هر حوزه را مورد توجه قرار داد. درجه‌ی اهمیت مفاهیم، اصول/تعمیم‌های اساسی، نظریه‌ها، فرایندها و مهارت‌ها و ارزش‌ها و ... و نسبت و وزنی که به آن‌ها داده می‌شود باید به اندازه‌ی نقشی که در رسیدن به اهداف کلی برنامه‌ی درسی برعهده دارند، باشد.

#### ۳/۴/۹ - اعتبار

از آنجا که در عصر انفجار اطلاعات، دانش بشری به سرعت تحول پیدا کرده و حوزه‌های جدیدی از دانش شکل می‌گیرد، محتوا باید به متریان در کسب دانش اصیل و به‌روز رسانی دانش خود کمک نماید از این رو ضروری است اعتبار محتوا در هنگام انتخاب و فواصل زمانی معین مورد واریسی قرار بگیرد.

#### ۳/۴/۱۰ - علاقه

در طراحی برنامه‌ی درسی علاقه‌ی متریان معیاری کلیدی است، محتوای برنامه‌ی درسی باید مبتنی بر علایق فعلی متریان بوده و منجر به خلق و توسعه‌ی علایق جدید در آن‌ها شود؛ به گونه‌ای که با شناسایی ظرفیت‌های وجودی متریان زمینه‌ی تصمیم‌گیری برای حال و آینده فراهم شود.

#### ۳/۴/۱۱ - سودمندی / کاربردی بودن

تعیین سودمندی / کاربردی بودن محتوا به نگاه فلسفی و ترجیحات برنامه بستگی دارد. لذا معیار سودمندی / کاربردی بودن باید با لحاظ نیازهای آنی، آتی، حیاتی و متعالی متریان با نیازهای ویژه، مستعد، جنسیت و تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی) و براساس مبانی برنامه مورد توجه تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد.

#### ۳/۴/۱۲ - قابلیت یادگیری

انتخاب و سازماندهی محتوا باید به گونه‌ای انجام شود که یادگیری آن برای متریان با توانایی‌های ذهنی، سبک‌های شناختی و یادگیری متفاوت امکان‌پذیر باشد. به عبارت دیگر این معیار مسئله‌ی تناسب محتوا برای متریان قصد شده‌ی مختلف را مورد توجه قرار می‌دهد.

#### ۳/۴/۱۳ - قابلیت اجرا

در انتخاب و سازماندهی محتوا باید به چارچوب زمان تعیین شده، منابع در دسترس، مهارت کارکنان، قوانین و مقررات موجود و بودجه‌ی (دولتی و عمومی) در دسترس توجه داشت.

#### ۳/۴/۱۴ - انسجام درونی

سازماندهی برنامه‌ی درسی باید کوشش‌های مریان و متریان را در حوزه‌های یادگیری و رشته‌های مختلف علمی و عملی هماهنگ سازد و هر یک از حوزه‌ها مکمل یکدیگر باشد.

#### ۳/۵ - صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک

صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک آن دسته از یادگیری‌هایی است که در همه‌ی حوزه‌های یادگیری حضور دارند و بین آن‌ها پیوند برقرار می‌کنند. این صلاحیت‌ها و یادگیری‌ها براساس عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری به شرح زیر می‌باشند.

عناصر	صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
تفکر و تعقل	تخیل، حل مساله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، پرسشگری، کاوشگری، دریافت اطلاعات توسط حواس پنج‌گانه/ هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت براساس شواهد، قضاوت براساس نظام معیار(تعقل)، تصمیم‌گیری، تامل در خود، خودارزشیابی، تخمین، محاسبه
ایمان	باور به یکتایی خداوند، باور به هویت و کرامت انسان، ارزشمند دانستن تفکر و تعقل، باور به قدرت اراده و انتخاب انسان، باور به ارزشمندی خلقت، ارزشمند دانستن علم و علم‌جویی، باور به هدفمندی خلقت، ارزشمند دانستن نهاد خانواده، وطن‌دوستی، خودباوری
علم	نگاه به علم به مثابه کشف فعل خدا، خودآگاهی، فرهنگ و هویت
کار و عمل و مجاهدت	یادگیری مستمر، مدیریت امور زندگی (زمان، امور مالی، و...)، مشارکت، همدلی، توافق، مخالفت، همیاری/کمک به یکدیگر (تعاون)، مذاکره/گفت و گو، یادگیری و کار گروهی، گوش کردن با درک مطلب، سخن گفتن واضح و معنادار، نوشتن به وضوح و معنادار، خواندن با درک مطلب، ارائه و دریافت اطلاعات در اشکال مختلف، رهبری گفت و گو، مطالعه، پژوهش، فن‌آوری، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهارت‌های یدی، کارآفرینی، خود اشتغالی، اندازه‌گیری، تولید علم
اخلاق	توکل (رضا - شکر)، استقلال، انعطاف، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، حفظ و پالایش انگیزه‌ها(نیت)، اخلاق و ارزش کار، پشتکار و مداومت، خدمتگزاری، نظم، قانونمداری، صدق (راست‌گویی - امانت‌داری - وفاداری - رازداری)، صبر(تحمل - مقاومت - سعه‌ی صدر)، عزت نفس (قناعت - حجب و حیا و عفاف - خویش‌داری و کنترل امیال -) عدالت‌خواهی و حق‌طلبی (انصاف - حریت - ظلم‌ستیزی - جهاد - شهادت)، حسن خلق(خوش‌رویی، تکریم خود و دیگران - مدارا)، احسان و رافت (بخشندگی و سخاوت - گذشت - انفاق/ایثارمال - صلح رحم)

### ۳/۶- حوزه‌های یادگیری

حوزه‌های یادگیری گسترده و محدودی دانش، مهارت‌ها، و نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با یادگیری متربیان پیش‌دبستان تا پایان دوره‌ی متوسطه‌ی دوم را توصیف می‌کنند. این حوزه‌ها حدود محتوایی و روش‌ها و فرایندها، و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند. حوزه‌های یادگیری شامل یادگیری‌های ضروری بوده و در ده حوزه‌ی توافقی جهت دستیابی به اهداف برنامه پیش‌بینی شده‌اند.

#### ۳/۶/۱ - عناوین حوزه‌های یادگیری

- تفکر و حکمت
- قرآن و معارف اسلامی
- زبان و ادبیات

- فرهنگ و هنر
- سلامت و تربیت بدنی
- کار و فن آوری
- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
- ریاضیات
- علوم تجربی
- آداب و مهارت‌های زندگی

جدول توزیع زمان آموزش حوزه های یادگیری در دوره آموزش عمومی

عنوان حوزه	دوره و سطح		دوره ابتدایی		
	سطح اول	سطح دوم	سطح سوم	سطح چهارم	میانگین
تفکر و حکمت	۴٪	۴٪	۳٪	-	۳،۷
قرآن و معارف اسلامی	۱۲٪	۱۶٪	۱۶٪	-	۱۴،۶
زبان و ادبیات	۴۰٪	۲۵٪	۲۶٪	-	۳۰،۳
فرهنگ و هنر	۱۰٪	۸٪	۶٪	-	۸
سلامت و تربیت بدنی	۱۲٪	۱۲٪	۹٪	-	۱۱
کار و فن آوری	-	۳٪	۶٪	-	۳
علوم انسانی و مطالعات اجتماعی	-	۸٪	۹٪	-	۵،۷
ریاضیات	۱۲٪	۱۲٪	۱۲٪	-	۱۲
علوم تجربی	۶٪	۸٪	۹٪	-	۷،۷
آداب و مهارت های زندگی	۴٪	۴٪	۴٪	-	۴
جمع	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	-	۱۰۰

\* شکل اجرای این جدول در برنامه‌ی ساعات هفتگی بر عهده‌ی سازمان آموزش و پرورش استان‌ها خواهد بود.

\* تعیین ساعت آموزش زبان خارجی در سطح دوم بر عهده‌ی سازمان آموزش و پرورش استان‌ها است.

\* درصدها در سطح سه با فرض گرایش بودن آموزش در متوسطه دوم تدوین شده است.

جدول توزیع زمان آموزش حوزه‌های یادگیری در دوره‌ی آموزش متوسطه‌ی دوم

دوره‌ی متوسطه‌ی دوم					گرایش
معارف اسلامی	علوم ریاضی	علوم تجربی	علوم انسانی	فنی و حرفه‌ای	عنوان حوزه
۱۰٪	۶٪	۶٪	۸٪	۳٪	تفکر و حکمت
۵۰٪	۱۲٪	۱۲٪	۱۲٪	۱۲٪	قرآن و معارف اسلامی
۱۵٪	۱۵٪	۱۵٪	۳۰٪	۱۵٪	زبان و ادبیات
۳٪	۳٪	۳٪	۳٪	۳٪	فرهنگ و هنر
۶٪	۶٪	۶٪	۶٪	۶٪	سلامت و تربیت بدنی
۲٪	۲٪	۲٪	۲٪	۵۰٪	کار و فن آوری
۶٪	۳٪	۳٪	۳۰٪	۳٪	علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
۶٪	۵۰٪	۱۳٪	۹٪	۸٪	ریاضیات
۲٪	۳٪	۴۰٪	-	-	علوم تجربی
-	-	-	-	-	آداب و مهارت های زندگی
۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	٪۱۰۰	جمع

\* محتوای آموزش رشته‌های تخصصی تربیت بدنی و هنر مطابق جدول شاخه‌ی فنی و حرفه‌ای خواهد بود  
 \* حوزه‌ی تفکر و حکمت در سطح متوسطه‌ی دوم متناسب با ویژگی‌های امر پژوهش و مطالعه در آن حوزه تعریف می‌شود.

۳/۷- بیانیه‌های حوزه‌های یادگیری

بیانیه‌های حوزه‌های یادگیری تعریف حوزه، ضرورت، کارکرد، قلمرو و ابعاد حوزه، نسبت آن با یادگیری‌های مشترک و سایر حوزه‌های یادگیری را بیان می‌دارد.

۳/۷/۱- حوزه‌ی یادگیری تفکر و حکمت

تفکر عمل ذهن بر روی اطلاعات دریافت شده و اندوخته‌های قبلی برای تبدیل مجهول به معلوم و دستیابی به نتیجه است. تعقل به معنای قدرت تجزیه و تحلیل و ربط دادن قضایا و سنجش و ارزیابی راه‌های گوناگونی است که از طریق تفکر بدست آمده است. ترکیب این دو در عرصه‌ی نظر و عمل حکمت است.

فرایند تربیت باید فرایندی باشد که طی آن قوه‌ی تفکر و تعقل پرورش یابد. تاکید بر تفکر و تعقل از دو جهت اهمیت پیدا می‌کند، تقویت این توانایی از یک سو باورها و عملکرد انسان را تحت تأثیر

قرار داده و از سوی دیگر می‌تواند به یکپارچه‌سازی برنامه‌های درسی مجزا کمک کند. از آنجا که امروزه متریبان با هجوم فزاینده‌ی نوآوری‌های مختلف از جمله فناوری اطلاعات روبرو هستند و این مسئله آن‌ها را در معرض انتخاب‌های مختلف قرار می‌دهد، لذا آن‌ها باید این توانایی را پیدا کنند که بر اساس نظام معیار دست به انتخاب آزادانه و آگاهانه بزنند.

تفکر قوه‌ی ممتاز انسان که آگاهی عقلانی و حکمت است را پرورش داده و به متریبان کمک می‌کند تا: ۱. توانایی استدلال خود را بهبود بخشند ۲. خلاقیت خود را پرورش دهند ۳. به صورت فردی و میان فردی رشد کنند ۴. درک اخلاقی خود را بهبود بخشند ۵. از تجارب روزمره و نیز تجارب درسی معانی و مفهوم استخراج کنند. از این طریق امکان مشارکت مؤثر و سازنده‌ی افراد در حیات اجتماعی، تفکر در مورد حقوق و مسئولیت‌های خود و سایر افراد و شرکت در فرایند مردم‌سالاری دینی فراهم می‌شود.

تفکر و تعقل از چهار جزء تفکر فلسفی، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر همراه با مراقبت برخوردار است که در طول دوران تحصیل قابل پیگیری است و از سوی دیگر با چهار نوع پژوهش پی‌گیری می‌شود ۱. پژوهش فلسفی ۲. پژوهش اخلاقی ۳. پژوهش اجتماعی و ۴. پژوهش علمی؛ و بدین ترتیب تمام رشته‌های تحصیلی، تمام منابع رشته‌ها و تمام مهارت‌های قابل پیگیری در مدرسه را متأثر می‌سازد.

دو رویکرد اصلی و اساسی آموزش در این حوزه عبارتند از رویکرد تلفیقی و رویکرد فلسفی. منظور از رویکرد تلفیقی در هم تنیدن انواع حالت‌های ذهنی و فلسفی، مهارت‌های شناختی و منابع رشته‌های درسی و روش‌شناسی آن‌ها در یک اجتماع پژوهش کلاس درس است. برای تبدیل کلاس درس به یک اجتماع پژوهشی که هم دارای کنش و واکنش شناختی و هم عاطفی باشد، باید مهارت‌های تفکر را که از منابع رشته‌های تحصیلی خاص بروز می‌کند در نظر گرفت و آن‌ها را با اعمال ذهنی خاص و نگرش‌های روان‌شناختی مرتبط ساخت.

رویکرد فلسفی نیز اشاره به روش فلسفیدن و نیز پرورش قوه‌ی استدلال دارد که هم زیر بنای برنامه‌ی درسی است و هم همانند چتری کلیه‌ی فعالیت‌های این حوزه را هدایت می‌کند. رویکرد فلسفی روش‌های زیر را مورد استفاده قرار می‌دهد:

- ۱- روایتی یا داستانی
- ۲- گفت‌وگو
- ۳- بازی
- ۴- فعالیت
- ۵- مردم‌سالاری
- ۶- پژوهشی

تفکر و تعقل از طریق ایجاد چالش در فرآیند آموزش، تفکر اصولی و تعامل ساختاری به رشد فردی (تأمل در خود، انعطاف، ارزیابی ایده‌ها و اعمال خود)، کسب مهارت‌های اجتماعی (همدلی، مشارکت، توافق، مخالفت، مذاکره و گفت و گو) و مشارکت در پژوهش‌های اخلاقی، علمی و اجتماعی کمک می‌کند.

در عین حال تفکر و تعقل به عنوان یک زبان کلی، رویکردی تربیتی است، بر نوشتن، سخن گفتن و گوش دادن تأکید دارد. یعنی در جست‌وجوی مهارت‌های بنیادی خواندن، نوشتن، سخن گفتن و گوش دادن و در جست‌وجوی راهی برای رسوخ در این مهارت‌های پایه از طریق تقویت قدرت استدلال و داوری است. وقتی این کار انجام شد، متریبان خود به خود می‌توانند به تأمل روی رشته‌های تحصیلی مرسوم مدرسه‌ایشان پردازند.

### ۳/۷/۲- حوزه‌ی یادگیری قرآن و معارف اسلامی

تربیت دینی - به معنای عمیق و گسترده‌ی آن - مهم‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی به طور اعم و نظام آموزشی به طور اخص است. دین مقدس اسلام برنامه‌ی جامع تربیتی انسان برای عبودیت و تقرب الی الله است. دین اسلام شامل مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاق و احکام است که به آن معارف اسلامی می‌گویند. تعمیق معرفت و ایمان متریبان به اعتقادات، اخلاق و احکام که همان معرفت و ایمان به دین اسلام است ضروری‌ترین رسالت دستگاه تعلیم و تربیت در نظام اسلامی است. حوزه‌ی یادگیری معارف اسلامی بستری برای تقویت اندیشه، انگیزه و عمل دینی و طرح‌ریزی معرفت نسبت به برنامه‌ی جامع تربیتی انسان است تا به متریبان میزانی از آگاهی درباره‌ی اسلام را بدهد که بتواند بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان بدهد. فرد را توانمند سازد که به گونه‌ای فعال، جامعه را به سوی آرمان‌های اسلامی سوق دهد و در برابر آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی / اجتماعی که در سطح جامعه پیش می‌آید، ایستادگی و مقاومت کند. و به او این توانایی را بدهد که در آینده در تربیت فرزندان خود موفق و در تعالی جامعه مشارکت موثر داشته باشد.

آشنایی با قرآن کریم به عنوان منبع وحی الهی و منبع اصلی اعتقادات، اخلاق، و احکام الهی و توانایی قرائت، تدبر و انس با آن سبب ورود هر فرد مسلمان به دریای معارف اسلامی است. منبع دیگر، سنت و سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام و جانشینان معصوم آن بزرگوار (صلوات الله علیهم) می‌باشد که معلمان حقیقی قرآن و اسوه و راهنمای مومنان می‌باشند.

با عنایت به این که مجموعه‌ی آموزه‌های اسلامی در قرآن کریم و سنت معصومین به زبان عربی است و بهره‌مندی از این آموزه‌ها نیازمند آشنایی با این زبان است، آموزش زبان عربی تا حدی که مدرسان ما برای مراجعه به قرآن کریم و سنت معصومین باشد، ضروری است.

نتایج یادگیری متریبان در این حوزه عبارتند از:

- کسب آمادگی نسبی برای دینداری مبتنی بر ایمان آگاهانه
- توانایی سازماندهی مناسبات و روابط اجتماعی خود، مواجهه با مسائل و نیازها بر اساس ایمان و اندیشه‌ی دینی
- حضور موفق مبتنی بر بینش اسلامی، حفظ هویت اسلامی و استقلال فکری و تاثیر بر دیگران در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها

فرایند اصلی در عمل اختیاری و آگاهانه‌ی انسان که باید در معارف اسلامی مورد نظر باشد فرایند شناخت، ایمان و عمل است. آن عمل دینی و آن دینداری مفید است که حاصل و نتیجه‌ی ایمان به دین باشد. و آن ایمانی ارزشمند است که مبتنی بر شناخت و حاصل اندیشه، تفکر و تعقل فرد باشد. لذا در این حوزه بر روش‌های استدلال منطقی، جدال احسن، موعظه، تذکر، تأمل با خویش که حاصل آن ارتقاء توأمان تعقل و ایمان باشد تأکید می‌شود. در آموزش قرائت، درک معنا و تدبر در قرآن کریم و نیز آموزش زبان عربی از روش‌های مناسب برای ارتقاء مهارت استفاده می‌شود.

ایمان مبتنی بر تفکر اساس اعمال دینی است و هیچ عمل دینی بی حضور این دو صلاحیت معنا و مفهوم ندارد. تفکر، مطالعه و پژوهش اساس معرفت دینی را تشکیل می‌دهد بسیاری از مهارت‌ها و ارزش‌های مشترک حوزه‌های یادگیری ذاتا دینی هستند. رعایت ارزش‌های اخلاقی حاصل ایمان مبتنی بر تفکر است و ایمان مبتنی بر تفکر کارکرد اصلی این حوزه به شمار می‌آید. مهارت‌های فناوری و محاسباتی ابزاری در خدمت یادگیری مطلوب و هم در خدمت تبلیغ و اشاعه‌ی ارزش‌های اخلاقی است.

خودسازی و کار و تلاش و مجاهدت در عرصه‌های ارتباط با خلق و خلقت در ذیل ارتباط با خداوند متعال، و نگاه مسئولانه به این عرصه‌ها، حاصل ایمان و معرفت است که به تربیت متریان فعال و خدمت‌گذار جامعه‌ی اسلامی منتهی می‌شود.

همه‌ی حوزه‌های یادگیری، در خدمت هدف غایی تربیت قرار دارند و معارف اسلام ناب محمدی (ص) به مثابه‌ی متغیر اصلی است که سایر حوزه‌ها نسبت خود را با آن تنظیم می‌کنند. آموزه‌های دینی مشوق و چراغ راهنمای متریان در کسب و ارتقاء، ارزشمند دانستن و به کارگیری علم در حوزه‌های مختلف می‌باشند. تعلیم و تعلم در راستای درک عمیق‌تر نظام آفرینش و زمینه‌ی رشد و تعالی فرد و جامعه برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، خود عمل دینی و کاری مقدس شمرده می‌شود. حوزه‌ی تفکر و حکمت در متن دین قرار دارد و لازمه‌ی دینداری است. آداب و مهارت‌های زندگی جزئی از دین و از آن تفکیک‌ناپذیر هستند. فرهنگ در تعامل با دین و دینداری شکل می‌گیرد. هنر و زبان و ادبیات ملهم از حوزه‌ی معارف دینی نضج یافته و محمل آموزه‌های دینی بوده و هستند و به طور متقابل هنر و ادبیات نیز نقش به‌سزایی در نشر دین دارند. در حوزه‌ی بهداشت و تربیت بدنی در مورد صحت بدن، حفظ بهداشت تأکیدات زیادی در آموزه‌های دینی شده است.

زبان وسیله‌ی ارتباط است و به عنوان مهم‌ترین، و پیچیده‌ترین رفتار شناختی انسان وظیفه‌ی بیان اندیشه و حفظ و انتقال میراث فرهنگی را بر عهده دارد. رشد زبان فرایندی است که از فهم کلام معنی‌دار آغاز شده و به تولید کلام با معنی می‌انجامد. ادبیات، تولیدی مرکب و چند سطحی است که علاوه بر سطوح چهارگانه‌ی واج، واژه، معنی، و نحو، سطح پنجم یعنی هنر را نیز شامل می‌شود. کارکرد هنری زبان در قالب ادبیات ظاهر می‌شود.

آموزش زبان امکان مطالعه، استفاده و لذت بردن از زبان و ادبیات را به صورت شفاهی، دیداری، و نوشتاری برای مقاصد و مخاطبان گوناگون در قالب‌های متنوع فراهم می‌کند و شامل یادگیری زبان، یادگیری از طریق زبان و یادگیری درباره‌ی زبان می‌باشد. بیشترین فعالیت روزمره‌ی ما هنگام گفت‌وگو با دیگران و استفاده از رسانه‌ها توسط زبان شکل می‌گیرد. زبان دارای دو کارکرد اصلی است: زبان به عنوان ابزار ارتباط در مراودات اجتماعی، و زبان برای ایجاد زیبایی هنری که همان ادبیات است. ما از زبان برای هدف‌های گوناگون استفاده می‌کنیم، از جمله برای برآوردن نیازهای روزمره، ایجاد نظم و قاعده در رفتار دیگران، ایجاد تفاهم در روابط اجتماعی، انجام تحقیق و کسب اطلاعات، بیان عقاید شخصی، بیان تخیلات و بدیعه‌گویی، و دادن اطلاعات در زمینه‌های گوناگون.

از آن جا که مراودات اجتماعی تحت تأثیر تعاملات جوامع بشری و رشد فناوری توسعه پیدا کرده و این دامنه هر روز افزایش پیدا می‌کند، برای برقراری ارتباط سازنده و آگاهانه ضروری است متریان علاوه بر زبان مادری که به آنان امکان تعامل در سطح روابط میان فردی (خانوادگی، محلی و ملی) را می‌دهد، توانایی برقراری ارتباط با سایر جوامع و دستاوردهای بشری را در سطح منطقه‌ای و جهانی دارا باشند. این حوزه دو حوزه‌ی محتوایی زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی را شامل می‌شود. رویکرد آموزش زبان و ادبیات در این دو حوزه‌ی محتوایی، رویکرد ارتباطی است و بر انتقال ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی تأکید دارد. اگر چه این دو حوزه‌ی محتوایی از این حیث رویکرد آموزشی با یکدیگر مشابه هستند اما از حیث کارکردهای فرعی در دو حوزه زبان و ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی متفاوت هستند.

زبان و ادبیات فارسی، رمز هویت ملی و سبب پیوستگی و وحدت همه‌ی اقوام ایرانی و گنجینه‌ی گران‌ارجی است که گذشته را به حال و آینده پیوند می‌دهد. در این حوزه، متریان با پیکره‌ی نظام‌مند و عناصر سازه‌ای زبان به گونه‌ای روشمند و علمی آشنا می‌شوند و توانایی خلق و نگارش و آفرینش را در این حوزه کسب می‌کنند.

آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق رمزگشایی و رمزگذاری نمادهای آوایی (شنیداری) و خطی (دیداری) و مهارت‌های فرازبانی و چگونگی کاربست آن‌ها تأکید دارد. در این حوزه مهارت گوش دادن از سطح شنیدن

انفعالی تا گوش دادن آگاهانه و توأم با دقت، رشد می‌یابد. مهارت سخن گفتن نیز دارای سطوحی است و در دوره آموزش عمومی انتظار می‌رود که متریان بتوانند بر اساس زبان معیار با دیگران ارتباط برقرار کنند و دریافته‌ها و اندیشه‌های خود را با آنان در میان بگذارند. مهارت خواندن نیز درجات گوناگونی دارد که با توجه به میزان دقت خواننده، به دریافت سطحی، درک مطلب و خواندن انتقادی تقسیم می‌شود. مهارت نوشتن پیچیده‌ترین و دشوارترین مهارت زبانی است. مهارت نوشتن نیز سطوحی دارد که از حد رمزگذاری ساده یعنی رونویسی آغاز می‌شود و حد نهایی آن نوشتن خلاق است. در این برنامه انتظار بر این است که متریان به سطوح بالایی هر یک این مهارت‌ها دست یابند. گستره‌ی آموزش زبان و ادبیات فارسی شامل: شناخت زبان، ساختارها، تطور و گشتار زبان فارسی، و پیکره‌ی نظام‌مند و عناصر سازه‌ای و عوامل هنری و زیبایی این زبان است.

زبان در بستر تجربیات ارتباطی طبیعی، بیشتر و بهتر آموخته می‌شود. لذا قانونمندی‌های زبانی شامل تلفظ کلمات، ساخت کلمات و ساخت دستوری، از طریق کسب تجربیات واقعی و وابسته به موقعیت‌های فرهنگی متریان صورت گیرد. این امر خصوصاً در سال‌های اولیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مجموعه‌ی تجربیات ارائه شده در قالب‌های گوناگون زبان و ادبیات فارسی، متریان را شهروندانی پایبند به ارزش‌های ملی و دینی و متخلق به آداب و اخلاق متعلق به این سرزمین می‌پرورد، و آنان را در حفظ فرهنگ و تمدن خویش توانمند می‌نماید. در آموزش زبان و ادبیات فارسی، تکیه بر رویکردهای کلی، تلفیقی و فعالیت محور است. پرورش مهارت‌های ارتباطی زمینه‌ی درک مفاهیم در سایر متون و موضوعات درسی را فراهم کرده و به رشد مهارت‌های اجتماعی، شخصی، ذهنی، ارتباطی، فرهنگی، مطالعه و پژوهش و ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند.

#### ۳/۷/۳/۲- زبان‌های خارجی

دانستن زبان خارجی یکی از دو محور اصلی سواد در هزاره‌ی سوم می‌باشد. آموزش زبان خارجی علاوه بر کارکرد ارتباط بین فردی و بین فرهنگی، در توسعه‌ی اقتصادی مانند صنعت گردشگری، تجارت، فن‌آوری، توسعه‌ی علم، و هوشیاری سیاسی مؤثر می‌باشد. امروزه روش‌های آموزش زبان بر توانایی ارتباطی فراگیران و حل مسئله تاکید دارد به گونه‌ای که فرد پس از آموزش قادر به ایجاد ارتباط با استفاده از تمامی مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی (گوش کردن، سخن گفتن، خواندن، و نوشتن) باشد.

از آن‌جا که یادگیری زبان دوم به دلیل یکسویه شدن مغز که حدود ۱۰ تا ۱۲ سالگی رخ می‌دهد توأم با مشکلاتی خواهد شد به همین دلیل جا دارد تا حد امکان سن و دوره‌ی تحصیلی آموزش زبان را پایین آورد. آموزش زبان خارجی می‌تواند در بخش دروس اختیاری از مرحله‌ی دوم

دوره‌ی ابتدایی آغاز شود. بدیهی است آموزش در این دوره محدود به یادگیری آواهای زبان و تعدادی از واژگان پایه خواهد شد. این آموزش با استفاده از اشعار آهنگین و بازی‌های آموزشی زبان صورت می‌پذیرد و هرچند در آن آموزش چهار مهارت زبانی مد نظر قرار می‌گیرد بیشترین تاکید بر مهارت‌های شنیداری و گفتاری است. آموزش زبان خارجی از آغاز دوره‌ی متوسطه الزامی خواهد بود.

در پایان سطح متوسطه‌ی دوم، انتظار می‌رود متریبان توانایی برقراری ارتباط شنیداری و گفتاری را داشته باشند و متن‌هایی در حد متوسط را بخوانند و مفاهیم آن‌ها را دریابند. در ضمن توانایی نوشتن، در حد یک بند و یا مقاله‌ای کوتاه، به زبان خارجی نیز در آن‌ها تقویت گردد. در انتخاب محتوای این حوزه، پرورش صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک مانند تفکر، نقد و ارزش‌گذاری، ارزش‌های اخلاقی، و هویت ایرانی اسلامی مورد تاکید قرار می‌گیرد. در سنین پایین آموزش، محتوای آموزشی پیرامون موضوعات بومی و نیازهای یادگیرنده چون بهداشت و سلامت در قالب تفریح و سرگرمی انتخاب و سازماندهی می‌شود در سطوح بالاتر انتخاب و سازماندهی محتوای این حوزه به سمت کارکردهای علمی، اقتصادی، سیاسی و... متناسب با متون آموزشی سایر حوزه‌های یادگیری و در جهت تعمیق آن آموزش‌ها خواهد بود.

#### ۳/۷/۴- حوزه‌ی یادگیری فرهنگ و هنر

حوزه‌ی یادگیری هنر ناظر به تبادل احساسات و افکار، رشد قوه‌ی خیال و تفکر، پرورش عواطف و ذوق زیبایی‌شناسی و قدرشناسی نسبت به زیبایی‌ها و تمایل به حفظ آن‌ها، توان درک و بیان موضوعات و افعال دارای زیبایی (مادی و معنوی)، توان خلق آثار بدیع و ایجاد ارتباط با دیگران از طریق قالب‌های هنری و قدردانی از آثار هنری و هنرمندان است.

تربیت هنری سبب شناخت توانایی‌های فردی و توسعه‌ی ظرفیت‌های وجودی و شایستگی‌های مورد نیاز برای زندگی می‌شود. دستیابی به کمال در تربیت اخلاقی و ارزشی در گرو دستیابی به ابزار و رسانه‌هایی با توان بازنمایی دامنه و عمق ارزش‌ها است. استفاده از هنر و قالب‌های هنری مناسب‌ترین طریق بازنمایی تجربیات غنی از احساس و عواطف انسانی است. تربیت هنری سبب درک زیبایی‌ها و نظم هستی که یکی از راه‌های شناخت خداوند و قدرشناسی نسبت به خالق آن‌ها است، می‌شود. تربیت هنری از طریق درک زیبایی‌های طبیعت، محیط زندگی و آثار هنری، به تقویت حواس، تخیل، تفکر، توان درک معانی آشکار و پنهان و غنا بخشیدن به ادراک حسی و عاطفی منجر می‌شود. شناختی که در اثر آشنایی با هنرها و میراث فرهنگی ایجاد می‌شود، زمینه ساز حفظ، احیاء و اشاعه‌ی هنرهای ایرانی \_ اسلامی، هویت بخشی به فرد و جامعه و مقابله با تهاجم فرهنگی است. تربیت هنری باعث تقویت مهارت‌های ارتباطی و تبادل احساسات، انتقال معانی در قالب‌های هنری شامل دو فرایند خلق معنا (تولید اثر هنری) و کشف معنا (درک و دریافت هنر) می‌شود.

قلمرو هنر شامل دو حوزه‌ی عملی (تولید اثر بر پایه‌ی الفبا و قواعد ترکیب) و نظری (درک اثر بر پایه‌ی زیباشناسی، تاریخ هنر، تجزیه و تحلیل و نقد هنری) می‌باشد. در فعالیت‌های هنری بیش از هر تجربه‌ی دیگری، متریان برای اظهار و ابراز احساسات و افکار خود آزادی عمل دارند و زمینه‌ی پاسخگویی به نیازهای درونی آن‌ها فراهم می‌شود.

مهم‌ترین کارکردهای تربیت هنری را می‌توان ایجاد شوق و نشاط، تأمین بهداشت روانی، درک و بیان احساسات و معانی و ابراز وجود به زبان هنرها، پرورش حواس، ذوق زیباشناسی، قدرت تخیل، هوش‌های چندگانه، خلاقیت، سواد هنری، قدرت تمرکز، تفکر، دقت، نظم ذهنی، استدلال و حل مسئله و ارزشیابی، قدرشناسی از زیبایی‌ها و میراث فرهنگی، توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی و تمایل به برقراری ارتباط با دیگران و تبادل احساسات، عواطف و ارزش‌ها، علاقه به مشارکت و همیاری در فعالیت‌های گروهی، آمادگی برای ارائه و دریافت اطلاعات در اشکال مختلف عنوان کرد.

روش کلی تربیت هنری، ایجاد فرصت‌های مناسب برای رشد و پرورش استعدادها با احترام به آزادی و علایق شخصی متریان است. برنامه‌ریزی در حوزه‌ی هنر با توجه به رویکرد (اصلی) تربیت هنری، دیسپلین محور و رویکردهای (مکمل) دریافت احساس و معنا و معرفت زیبا شناختی صورت می‌گیرد. طراحی و سازماندهی محتوا در سه بخش تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی به صورت چند رشته‌ای و متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی متریان انجام می‌شود. تربیت هنری ابتدا به صورت آموزش غیرمستقیم صورت می‌گیرد و به تدریج متناسب با رشته‌های هنری و سطح تحصیلی از روش‌های آموزش مستقیم بهره‌گیری می‌شود. در فرایند فعالیت‌های یادگیری و تولید اثر هنری، با ایجاد شرایط تصمیم‌گیری و حل مساله، مهارت رویارویی با مسایل و مشکلات، درک صحیح رویدادها و پدیده‌ها با تکیه بر عواطف، امکان ابراز احساسات، افکار، ایده‌ها، دریافت‌های شخصی؛ و پرورش قوه‌ی خیال (تخیل)، خلاقیت و هوش‌های چندگانه و وجه فردی متربی، از طریق به کارگیری حواس مختلف در قالب‌های متنوع هنری فراهم می‌شود.

کلیه‌ی مهارت‌ها به ویژه مهارت‌های ارتباطی و ذهنی به طور مستقیم از طریق حوزه‌ی یادگیری هنر و تجربیات تأثیرگذار احساسی ایجاد می‌شود. ادراک حسی و قوه‌ی تخیل متریان در حین فعالیت‌های هنری فردی و گروهی پرورش می‌یابد و بتدریج عمق و غنا می‌یابد و دست‌یابی به رشد شناختی و ارزش‌های اخلاقی میسر می‌شود.

تربیت هنری و زیباشناختی، فرابنامه‌ی درسی و روح حاکم بر کل نظام آموزشی است و استفاده از ظرفیت کل دروس پیش‌بینی شده برای تحقق اهداف تربیت هنری مورد نظر است. همچنین کارکردهای ثانویه‌ی هنر از طرق مختلف به تحقق اهداف سایر حوزه‌های یادگیری یاری می‌رساند.

سلامت و تربیت بدنی رشد ابعاد جسمانی، اجتماعی، هیجانی، عقلانی، و روانی انسان را در بر می‌گیرد و به توسعه‌ی سلامت در دو بعد جسمی و روانی در عرصه‌ی فردی و اجتماعی کمک می‌کند. تربیت بدنی و تندرستی به عنوان عاملی قدرتمند و موثر در توسعه‌ی فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، توریستی و تفریحی و ابزاری ضروری برای پرورش افرادی سالم و قوی جهت دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است. کسب این مهارت‌ها متریان را قادر می‌سازد تا ظرفیت‌های جسمی و بدنی خود را بشناسند، به آن اعتماد کنند و آن را پرورش دهند. همچنین به آن‌ها کمک می‌کند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامتی فردی و جمعی بخصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند. در خلال فعالیت‌های بدنی متریان یاد می‌گیرند چگونه در قالب گروه کار کنند، خطر کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، در مسایل درگیر شوند و به کمک دیگران مسایل را حل کنند. فعالیت‌های ورزشی باعث افزایش مقاومت آن‌ها در برابر بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان، دیابت، پوکی استخوان، آرتروز و آرتрит، چاقی و اختلالات ذهنی و روانی و به طور کلی موجب سلامت جسم و روان می‌شود.

قلمرو این حوزه‌ی یادگیری دو زیر حوزه‌ی اصلی سلامت و تربیت بدنی شامل: حرکت‌ها و مهارت‌های حرکتی؛ تغذیه‌ی سالم؛ سلامت روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع؛ درک ویژگی‌های جنسیتی؛ رعایت بهداشت فردی و جمعی؛ ایمنی؛ و رشته‌های ورزشی می‌شود.

برای آموزش سلامت و تربیت بدنی روش‌های متفاوت و متناسب مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از آن‌ها عبارت از بازی، نمایش و تمرین عملی، اردوها، مسابقات، کار در گروه‌های کوچک، موقعیت‌های واقعی هستند که می‌توانند فضاهای شبیه‌سازی شده‌ی نرم افزاری تا موقعیت‌های واقعی را شامل شوند.

متریان در خلال فعالیت‌های یادگیری ارزش‌های اخلاقی و رفتاری و مهارت‌هایی همچون تلاش، کار گروهی، احترام به دیگران، انصاف، صبر، خویشتن‌داری، حسن خلق، اعتماد به نفس، نظم و انضباط، رعایت قوانین و حس مسئولیت را از طریق بازی به صورت کاربردی می‌آموزند و تمرین می‌کنند. آن‌ها می‌آموزند که چگونه در شکست و پیروزی اخلاق حسنه را رعایت کنند. در این حوزه متریان از طریق انجام و مشارکت در بازی‌های مختلف و برای برآورده کردن مسئولیت‌های مورد انتظار مجبور به تفکر و خلق موقعیت‌های جدید بوده و مهارت‌های ذهنی، شخصی، اجتماعی، ارتباطی و محاسباتی را به خدمت می‌گیرند. آن‌ها در بازی‌های بومی و محلی با فرهنگ، اخلاق، و مهارت‌های زندگی و ارزش‌های دینی و ملی آشنا می‌شوند. در یادگیری ورزش‌هایی مانند شنا و دو میدانی و ژیمناستیک و ...، حرکت و انجام مهارت‌ها در سیالات مختلف (آب و هوا) را تجربه کرده و ویژگی آن‌ها را درک می‌کنند. در ورزش‌هایی مانند کوهنوردی به تغییرات فشار هوا در ارتفاعات مختلف پی می‌برند و در صحرا نوردی به درک صحیح

از علوم پایه دست پیدا می‌کنند و بدین طریق تربیت بدنی موجبات رشد متریبان در سایر حوزه‌ها را فراهم می‌آورد.

### ۳/۷/۶- حوزه‌ی یادگیری کار و فن آوری

حوزه‌ی کار و فن آوری شامل کسب مهارت‌های عملی برای اداره‌ی امور زندگی، و کسب شایستگی‌های مرتبط با فن آوری و علوم وابسته جهت آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی است. کار و فن آوری در آموزش عمومی (ابتدایی و متوسطه‌ی اول) متوجه کسب شایستگی‌های پایه و مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر، و در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم معطوف به کسب آمادگی در زمینه‌های شغلی و حرفه‌ای مورد نیاز جامعه است.

با توجه به آموزه‌های اسلامی که کار و اشتغال، دارای ارزش تربیتی است و انسان از طریق کار نفس سرکش را رام کرده و شخصیت وجودی خویش را صیقل داده، هویت خویش را تثبیت نموده و زمینه‌ی ارتقای وجودی خویش را مهیا می‌نماید و نیز با توجه به رشد سریع تغییرات فناوری، اجتماعی و اقتصادی، پیچیدگی‌های دنیای کار، به همراه وجود چالش‌ها و مفاهیمی از قبیل توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه، آموزش مادام‌العمر، فرصت‌های برابر کار، کار شایسته، رسیدن به شاخص‌ها و استانداردهای توسعه، بویژه سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد افراد کشور، در هر بخش از زندگی اجتماعی و حرفه‌ای خود بطور مستمر شایستگی‌های لازم برای زندگی در چنین شرایط متغیری را کسب نمایند.

دست‌یابی به توانمندی‌های عملی و حرفه‌ای باعث پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری، ارتقای اخلاقی، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه‌یافتگی خواهد شد. این آموزش‌ها توزیع نیروی انسانی را اصلاح می‌سازد و سرمایه‌گذاری در آن، سرمایه‌گذاری برای آینده تلقی می‌شود. با توجه به آمارهای موجود، بسیاری از فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای کشور در سطوح اولیه و میانی مهارتی قرار دارند که برای مقابله با چالش‌های نوظهور دنیای کار و رسیدن به اهداف توسعه، باید به آموزش کار و فن آوری و نیز آموزش فنی و حرفه‌ای بطور ویژه توجه نمود.

حوزه‌ی کار و فن آوری شامل دو حوزه‌ی محتوایی کار و فن آوری و مشتمل بر محورهای زیر است:  
حوزه‌ی محتوایی کار شامل: شایستگی‌های پایه‌ی مورد نیاز دنیای کار و زندگی یعنی شایستگی‌های بین فردی، تفکر، شخصیتی، و کسب و کار می‌باشد. حوزه‌ی محتوایی فن آوری شامل: فناوری اطلاعات و ارتباطات، بکار بردن ابزارهای پایه، اخلاق حرفه‌ای، بهداشت و ایمنی فردی و محیطی محیط کار، و شناخت حوزه‌های شغلی و حرفه‌ای است.

در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم با توجه به علایق متریبان، توجه به مسیرهای حرفه‌ای و شغلی، فناوری‌های نرم و هویت‌ساز، فناوری‌های الکترونیک، فناوری نانو، فناوری زیستی، فناوری حوزه‌ی سلامت، فناوری هوا فضا، فناوری‌های انرژی، فناوری‌های محیط زیست و ایمنی، فناوری آب و فناوری بومی برای آمادگی جهت ورود به دنیای کار و زندگی مورد توجه قرار می‌گیرد. نحوه‌ی سازماندهی محتوای برنامه‌ی درسی

در این دوره باید به گونه‌ای باشد که متریان در پایان دوره نگرش، انگیزه و توانایی ورود به بازار کار و دستیابی به شغل مناسب خود و مفید برای جامعه را کسب نمایند.

آموزش کار و فن آوری با توجه به تفاوت‌های فردی و محیطی در مراکز یادگیری گوناگون (مراکز آموزشی، محیط‌های واقعی کار) با بکارگیری راهبردهای متنوع آموزشی صورت خواهد گرفت. در سطح اول دوره‌ی ابتدایی آموزش‌های پایه به صورت تلفیق با دیگر حوزه‌های یادگیری و آموزش فناوری اطلاعات و ارتباطات به صورت مستقل و در سایر سطوح (تا پایان آموزش عمومی) آموزش‌ها به صورت در هم تنیده ارائه می‌شود. در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم کسب شایستگی‌های فنی و حرفه‌ای مورد توجه می‌باشد.

از این حیث که آموزش‌های کار و فن آوری ماهیتی چند رشته‌ای دارند لذا، با سایر حوزه‌های یادگیری ارتباط مستقیمی برقرار می‌کنند. این آموزش‌ها باید بتواند به تحقق صلاحیت‌های مشترک کمک کند و خود با یادگیری‌های مبتنی بر سایر عناصر اهداف کلی مرتبط باشد. این ارتباط با توجه به نوع حرف، مشاغل و سطوح آن‌ها ممکن است شدت و ضعف داشته باشد.

### ۳/۲/۷- حوزه‌ی یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

حوزه‌ی علوم انسانی و مطالعات اجتماعی بر درک روابط انسانی و توانایی ایجاد رابطه‌ی مثبت و سازنده با خود و دیگران؛ درک موقعیت و عناصر آن در بعد زمان (گذشته، حال، آینده)، مکان (خانه، محله، شهر، کشور، زمین، کیهان)، عوامل طبیعی (محیط طبیعی، محیط زیست) و عوامل اجتماعی (ساختارها و نهادهای اجتماعی، هنجارها، رفتارها و روابط انسانی، قراردادهای) و تعامل آن‌ها؛ درک سنت‌های الهی حاکم بر زندگی انسان و تحول و تطور آن در طول تاریخ بشر، و کسب مهارت‌های اجتماعی متمرکز است.

امروزه سرعت و پیچیدگی تغییرات بیش از هر زمان دیگری زندگی فردی و اجتماعی متریان را تحت تأثیر خود قرار داده و آنان نیاز دارند برای تعالی خود و مشارکت در حیات اجتماعی به مهارت‌های سطح بالایی دست یابند. کسب این مهارت‌ها متریان را قادر می‌سازد تا ضمن حفظ هویت شخصی به عنوان عضوی از جامعه با طیفی از مردم و گروه‌ها ارتباط برقرار نموده و به صورت مؤثر در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کنند. توانایی برقراری روابط مثبت و سازنده بر اساس نظام معیار متریان را قادر می‌سازد تا احساس تعلق گروهی / اجتماعی خود را رشد داده و به عنوان یک شهروند ایرانی مسلمان وظایف و مسئولیت‌های خود را در قبال خانواده، جامعه، محیط کار انجام دهند و روابط سازنده‌ای با سایر جوامع و فرهنگ‌ها برقرار کنند.

برقراری رابطه‌ی مؤثر و سازنده با دیگران نیازمند درک موقعیت، احساس همدلی، نوع دوستی و احترام نسبت به دیگران و کنترل هیجانات و احساسات به هنگام قرار گرفتن در موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز است. مشارکت با سایر متریان در سطح مدرسه (در قالب گروه‌های کوچک و بزرگ) و جامعه‌ی محلی فرصت‌هایی را برای کسب تجربیات واقعی در اختیار آنان قرار می‌دهد و کمک می‌کند تا نقش‌ها، قوانین، هنجارها، آداب و رسوم و ساختارهای اجتماعی را درک کرده و توانایی مشارکت آگاهانه و هدفمند در

فعالیت‌های اجتماعی را کسب نمایند. علاوه بر این متریان نیاز دارند در آموزش‌های مدرسه‌ای فرصت‌هایی را برای به چالش کشیدن ایده‌های خود و دیگران در خصوص مسایل اجتماعی در سطح محلی، ملی و جهانی؛ شرکت در فعالیت‌های خیر خواهانه؛ ارائه‌ی خدمات به گروه‌های نیازمند را در اختیار داشته باشند تا از این طریق روحیه‌ی مذاکره، عدالت‌خواهی، انصاف، و نوع دوستی خود را پرورش دهند. آنان باید بتوانند ویژگی‌های تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی و تأثیر آن در توسعه‌ی جامعه‌ی بشری را درک کرده و نقش خود را در جهان امروز برای حفظ موقعیت و جایگاه ایران در بین کشورهای منطقه و در سطح جهان بشناسند.

قلمرو حوزه‌ی مطالعات انسانی و اجتماعی شامل: درک موقعیت و ابعاد آن، سنت‌های الهی، آمایش سرزمین، آبادانی و عمران در طبیعت و تأثیرات آن در سطح محیط خانوادگی، جامعه‌ی محلی؛ کسب مهارت در فعالیت‌های گروهی، توسعه‌ی روابط انسانی (بردباری، وفاق و همدلی و مسالمت جویی، نوع دوستی) بر اساس نظام معیار، رعایت حقوق و مسئولیت‌ها؛ ارائه‌ی خدمات اجتماعی است. در طول دوره‌ی آموزش عمومی مفاهیم پایه و مهارت‌های اجتماعی در قالب تجربیات یادگیری تلفیقی ارائه می‌گردد و فرصت درک مفهوم موقعیت در ابعاد مختلف آن را فراهم می‌کند. همچنین متریان شایستگی‌های لازم برای مشارکت آزادانه و آگاهانه در فعالیت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند.

آموزش در دوره‌ی دوم متوسطه به موقعیت‌های واقعی زندگی نزدیک‌تر بوده و فرصت‌های بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را در اختیار متریان قرار می‌دهد. در این دوره ضمن تأکید بر پرورش مهارت‌های کار گروهی و شرکت در ارائه‌ی خدمات اجتماعی بر حسب ورود متریان به شاخه‌ی نظری یا گرایش / رشته علوم انسانی محتوا جنبه‌ی نیمه‌ی تخصصی پیدا کرده و حوزه‌ی های محتوایی چون فرهنگ، روانشناسی، مردم شناسی، اقتصاد، جامعه شناسی، تاریخ و جغرافیا به صورت مستقل ارائه خواهد شد.

شیوه‌ی سازماندهی محتوا فرصت‌هایی را برای کسب تجربیات دست اول در سطح کلاس درس، مدرسه، جامعه‌ی محلی در اختیار مدارس و مربیان قرار می‌دهد. متریان ضمن روبرو شدن با موقعیت‌های واقعی و چالش برانگیز توانایی لازم برای حل مسایل واقعی زندگی فردی و اجتماعی را کسب می‌نمایند. تأکید بر روش‌های کاوشگری به شیوه‌ی مشارکتی، پژوهش مشارکتی، پروژه، مطالعه‌ی موردی، موقعیت‌های واقعی (برنامه‌ریزی، تأمین منابع برای ارائه‌ی خدمات اجتماعی به گروه‌های نیازمند) و مشارکت در فعالیت‌های جمعی در سطح جامعه (اردوهای عمرانی، خدماتی، پژوهشی) روش‌های مورد تأکید این حوزه یادگیری است.

ماهیت محتوا و روش آموزش در این حوزه به تقویت مهارت‌های شناختی و فراشناختی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های شخصی، و رشد و توسعه‌ی ارزش‌های اخلاقی (عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی، نظم و قانون‌مداری، خدمتگزاری) کمک می‌کند. رشد مهارت‌های اجتماعی همچون همدلی، مذاکره، نوع دوستی

در این حوزه توانایی متریان را برای شرکت در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی در سایر حوزه‌های یادگیری تقویت نموده و از این طریق زمینه‌ی دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری را فراهم می‌کند.

### ۳/۷/۸- حوزه‌ی یادگیری ریاضیات

ریاضیات ریشه در قوه‌ی تعقل انسانی و نقشی زیربنایی در درک و فهم عالم دارد. ریاضیات به عنوان علم مطالعه‌ی الگوها و ارتباطات، هنری با نظم و سازگاری درونی، زبانی دقیق برای تعریف دقیق اصطلاحات و نمادها و ابزار کار در بسیاری از علوم و حرفه‌ها تعریف شده است. وجه مهم ریاضی توانمندسازی انسان برای توصیف موقعیت‌های پیچیده و کنترل وضعیت‌های ممکن است. ریاضی یک نیاز زیربنایی است و هر گونه عمل منطقی و حساب شده و برنامه‌ریزی شده در زندگی محتاج داشتن مهارت‌های اصلی ریاضی مانند تجزیه و تحلیل و درک روابط منطقی بین مفاهیم و وقایع و پیش‌بینی نتایج احتمالی است. ریاضیات و کاربردهای آن بخشی از زندگی روزانه جهت حل مشکلات زندگی در حوزه‌های مختلف بشمار می‌آید و دارای کاربردی وسیع در کلیه فعالیت‌های متفاوت انسانی و شیوه‌های کلی زندگی بشری است. ریاضیات موجب تربیت افرادی خواهد شد که در برخورد با مسایل بتوانند به طور منطقی استدلال کنند، قدرت تجزیه و انتزاع داشته باشند، و درباره‌ی پدیده‌های پیرامونی تئوری‌های جامع بسازند.

وجه مهم ریاضی، توانمندسازی انسان برای توصیف موقعیت‌های پیچیده و امکان موشکافی و کنترل وضعیت‌های ممکن است. از این منظر ریاضی، علمی در کنار سایر علوم نیست، بلکه نقشی زیربنایی برای دقت بخشی به مفاهیم سایر علوم را بازی می‌کند و نشان دهنده‌ی چارچوب اصلی روش‌های تفکر و فهم انسانی است. بسیاری از صلاحیت‌ها و یادگیری‌های اساسی مورد نظر در برنامه‌ی درسی مانند حل مسئله، تفکر نقاد، خلاقیت و نوآوری و ... همگی مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به آموزش ریاضی است. کارکرد دیگر این حوزه پرورش توانایی تجزیه و تحلیل، استدلال، مدلسازی، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، دقت یافتن، مباحثه، نقد کردن و نقدپذیری، حق‌طلبی و صداقت علمی، حدسیه سازی و حل مسائل است.

قلمرو حوزه‌ی آموزش ریاضیات شامل: اعداد، فضا، اندازه‌گیری، آمار و احتمال، محاسبات عددی، جبر و نمایش نمادین، الگوها و روابط و توابع، ابزارهای ریاضی و راهکارها است. تجربیات آموزش ریاضی باید ریاضیات محیط پیرامون باشد. در آموزش ریاضیات متریان باید بتوانند معنای گزاره‌های ریاضی را در محیط پیرامونی خود مشاهده کنند و برای مفاهیم ریاضی در محیط پیرامونی تعبیرهای گوناگون به دست آورند. این امر امکان درک شهودی آنان - که راهنمای عمل ریاضیدانان است - را تقویت می‌نماید.

### ۳/۷/۹- حوزه‌ی یادگیری علوم تجربی

مراد از علم تجربی حاصل کوشش انسان برای درک دنیای اطراف، و دانشی است آزمودنی که با ظهور شواهد و دلایل جدید در معرض بحث و تغییر است و از گستره‌ی وسیعی از روش‌های تحقیق بهره می‌گیرد.

بدیهی است علوم تجربی هم در مرحله‌ی تکوین و شکل‌گیری چارچوب‌های مفهومی و هم در عرصه‌ی چگونگی کاربرد و عمل و تصرف در طبیعت در بستر گستره‌ی دیگر حوزه‌های معرفتی بشر شکل می‌گیرد و نشر و نما می‌نماید. از این رو تعاملی انکارناپذیر با فلسفه، باورها و ارزش‌های پذیرفته شده‌ی فرد و جامعه دارد. تربیت علمی متربیان از یک سو به دلیل نقش بی‌بدیل این امر در ایجاد بصیرت و بینش عمیق نسبت به درک دنیای اطراف و زمینه‌سازی برای تعظیم خالق متعال از طریق درک عظمت خلقت ضرورت دارد و از سوی دیگر با عنایت به وابستگی روز افزون ابعاد گوناگون زندگی انسان به یافته‌ها و فرآورده‌های علمی فناورانه ضروری می‌نماید. از این رو اگرچه پرورش سواد علمی فناورانه محور مشترک تمامی برنامه‌های آموزش علوم به شمار می‌آید، ولی بر اساس مبانی تربیت اسلامی، علاوه بر این محور، معنی و تعالی نگرش توحیدی و دست‌یابی به درک غایتمند از خلقت، از محورهای مهم تربیت علمی است.

حوزه‌ی یادگیری علوم تجربی تنها آموزش یافته‌ها و فرآورده‌های علمی یا به عبارت دیگر تنها مفاهیم و دانش علمی را در بر نمی‌گیرد، بلکه فرایندهای علمی و روش علم‌آموزی هم چون مهارت‌های فرایندی (مشاهده، جمع‌آوری اطلاعات، اندازه‌گیری، تفسیر یافته‌ها، فرضیه و مدل‌سازی، پیش‌بینی، طراحی تحقیق و برقراری ارتباط) را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین توجه به پرورش نگرش‌های ناشی از علم و نگرش‌های ناظر به علم و فناوری از اجزای جدایی‌ناپذیر تربیت علمی فناورانه و دریچه‌ی ورود مبانی فلسفی پذیرفته شده به حوزه‌ی این ابعاد از مهم‌ترین دغدغه‌های آموزشگران محسوب می‌شود.

درک و اصلاح موقعیت خود برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه از طریق ترسیم، مفهوم‌پردازی، باور و عمل به واقعیت در مراتب متعالی آن، محور مشترک تمامی اهداف تربیتی و حوزه‌های یادگیری در برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. در بعد تربیت علمی، این همه از طریق بهره‌گیری، نقد و ارزیابی یافته‌های علمی و فناورانه دست‌یابی به توان و خودباوری علمی برای مشارکت در تولید میسر می‌شود.

بدیهی است پرورش علمی متربیان و برخوردار شدن ایشان از سواد علمی فناورانه در بعد شخصی و فردی از لازمه‌های زندگی سالم و موفقیت‌آمیز، و در بُعد اجتماعی لازمه‌ی بقای عزت مدار و توسعه‌ی پایدار ایران اسلامی است. از این رو رشد و ارتقای توان‌مندی‌ها و شایستگی‌های عقلانی، ایمانی، دانشی، مهارتی و اخلاقی متربیان در عرصه‌ی علوم تجربی به شناخت و استفاده‌ی مسئولانه از طبیعت به مثابه‌ی بخشی از خلقت الهی با هدف تکریم، آبادانی و آموختن از آن برای ایفای نقش سازنده در ارتقای سطح زندگی فردی، خانوادگی، ملی و جهانی می‌انجامد.

با عنایت به پذیرش اصل همه‌جانبه‌نگری و بر اساس پذیرش رویکرد تلفیق در همه‌ی حوزه‌های یادگیری، پرورش علمی از یک سو با اتخاذ روش‌هایی که با تلفیق نظر و عمل سازگاری دارند به پرورش مهارت‌های فرایندی علمی می‌پردازد و تنها به انتقال فرآورده‌های دانش اکتفا نمی‌کند. بر این اساس یادگیرنده در محور تمامی فعالیت‌های یادگیری قرار می‌گیرد و آموختن روش و مسیر کسب علم، آگاهی و توانایی یکی از

اهداف اصلی هر نوع آموزشی تلقی می‌گردد. این امر در مسیری رشد یابنده و تعالی جو، زمینه‌ساز پرورش انواع تفکر می‌شود و در ادامه، در صورت عنایت خاص آموزشگران، نیل به خودی‌گیری، ژرف‌اندیشی و تعالی‌جویی در متریان را میسر می‌سازد.

از سوی دیگر ایجاد ارتباط بین آموزه‌های علمی و زندگی واقعی و مرتبط ساختن محتوای یادگیری با کاربردهای احتمالی آن به معنادار شدن یادگیری و کسب علم مفید، سودمند و هدف‌دار برای متریان منجر می‌شود. این امر به پرورش انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر، متفکر و خلاق مدد می‌رساند.

با اتخاذ رویکرد تلفیقی در عرصه‌ی محتوا و روش، هر فعالیت علمی در یک چارچوب تعادل‌جو به ایفای نقش اصلی یا مکمل خود در پرورش انسانی متفکر و عاقل، مؤمن و عالم، تلاش‌گر و متخلق مدد می‌رساند. ظرفیت بالای حوزه‌ی علوم تجربی در ارتباط با دیگر حوزه‌های یادگیری و انعطاف‌پذیری ابعاد دانشی، مهارتی و نگرشی این حوزه، امکان پرداختن به بسیاری از صلاحیت‌های مشترک را فراهم می‌سازد و به برقراری ارتباط پشتیبانی دو جانبه در استفاده از ظرفیت دیگر حوزه‌های یادگیری تحقق اهداف این حوزه و نیز متقابلاً ایفای نقش فعال در تحقق اهداف دیگر حوزه‌ها می‌انجامد.

#### ۳/۷/۱۰- آداب و مهارت‌های زندگی

آموزش‌های مرتبط با آداب و مهارت‌های زندگی در برنامه‌ی درسی به عنوان فرصتی برای بکارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی زندگی و متناسب با تفاوت‌های فردی و شرایط و مقتضیات محلی، وظیفه‌ی آماده نمودن فرد برای ورود آگاهانه و آزادانه به زندگی خانوادگی و اجتماعی را بر عهده دارد. آداب و مهارت‌های زندگی مکمل یکدیگرند و هر دو به دنبال آموزش آیین زندگی هستند بدین جهت نباید مرزی بین این دو ترسیم کرد. آداب زندگی تابع شرایط فرهنگی جامعه است اما مهارت‌های زندگی تابع شرایط زمان است و لذا ممکن است مهارت‌های مورد نیاز یک فرد در زمان‌های مختلف تغییر کند.

آموزش آداب و مهارت‌های زندگی شایستگی‌های لازم در متریان برای اداره امور روزمره‌ی زندگی (آداب دینی، آداب معیشت، آداب تغذیه و بهداشت، آداب همسر داری و تربیت فرزند)، مدیریت اوقات فراغت، خودآگاهی، مهارت‌های تحصیلی، هویت‌یابی، ارتباط مؤثر، مراقبت از محیط زیست، مدیریت بحران و خطر را پرورش می‌دهد.

عوامل متفاوتی از جمله رسانه‌های گروهی، نیازهای برخاسته از رشد، زندگی اجتماعی بروز موقعیت‌های جدید در زندگی فردی و اجتماعی، تحولات اجتماعی، پدیده‌ی جهانی سازی، تغییرات علوم و فناوری‌های جدید بویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات و دوری از ارزش‌های اخلاقی و معنویات مشکلات پیچیده‌ای را برای بشر امروز ایجاد نموده‌اند. در جامعه‌ی امروز افراد به الگوها، دانش و مهارت‌هایی نیاز دارند که به کمک آن‌ها بتوانند با مسایل غیر قابل پیش‌بینی برخورد سازنده داشته باشند.

انسان‌ها همواره نیازمند پیمودن مسیر کمال و سعادت هستند، رعایت آداب و کسب مهارت‌های زندگی پاسخی به این نیاز است. رعایت آداب و مهارت‌های زندگی موجب وحدت و تعادل در رفتار فرد و نیز سلامت اجتماع و تعادل روانی جامعه می‌شود.

انتخاب تجربیات یادگیری برای آموزش آداب و مهارت‌های زندگی تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی متریان است، از این رو ضروری است آموزش از متن زندگی و در متن زندگی رخ دهد. برگزاری اردوهای علمی، تفریحی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرجع، ترجیح شیوه‌های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از جمله شیوه‌های مورد تأکید این برنامه می‌باشد.

ماهیت مشترک بودن تجربیات یادگیری در این بخش به گونه‌ای است که می‌تواند از یادگیری همه‌ی حوزه‌های یادگیری حمایت نماید و فرصت لازم برای تمرین و بکارگیری آموخته‌ها به صورت یکپارچه و غنی‌سازی سایر برنامه‌ها را امکان‌پذیر نماید. از سوی دیگر آموخته‌های سایر حوزه‌ها می‌تواند در طراحی تجربیات یادگیری این بخش مورد استفاده قرار گیرد و به یکپارچگی یادگیری متریان کمک کند.

#### ۳/۸- یادگیری گروه‌های ویژه

گروه‌های ویژه شامل: متریان مستعد (باهوش، تیزهوش، سرآمد، نابغه و متریان با نیازهای ویژه (دانش‌آموزان کم توان ذهنی، نابینا- نیمه بینا، ناشنوا- نیمه شنوا، اختلالات رفتاری، ناتوانی‌های یادگیری، معلولین جسمی حرکتی، چند معلولیتی می‌باشد.

#### ۳/۸/۱- دانش‌آموزان مستعد

۳/۸/۱/۱- از آنجایی که متریان مستعد برای مشارکت مؤثر در حیات فردی و اجتماعی باید از توانایی‌های عمومی برخوردار باشند، لذا محتوای برنامه‌ی درسی تا پایان دوره‌ی آموزش عمومی برای کلیه‌ی گروه‌ها از طریق تعیین سطوح دستیابی نتایج یادگیری و شاخص‌های آن در هر یک از حوزه‌های یادگیری مشترک بوده و زمینه‌ی لازم را برای پاسخگویی به نیازهای ویژه‌ی این گروه از متریان فراهم می‌کند.

۳/۸/۱/۲- در دوره‌ی متوسطه‌ی دوم برای پاسخگویی به نیاز متریان مستعد، بین ۵۰ تا ۲۵ درصد از محتوای برنامه در قالب پروژه‌های کوتاه مدت یا بلند مدت ارائه می‌شود (این میزان می‌تواند از سال اول تا پایان سطح به تدریج افزایش یابد).

۳/۸/۱/۳- در مورد متریانی که در یکی از ابعاد هوش از نبوغ ویژه‌ای برخوردار می‌باشند، محتوای برنامه‌ی درسی و شیوه‌های آموزش و ارزشیابی باید از انعطاف لازم برخوردار بوده تا بتواند به ترجیحات هوشی این گروه از متریان پاسخ دهد. استعداد و توانمندی‌های این گروه از متریان باید در آغاز دوره‌ی آموزش عمومی مورد شناسایی قرار گرفته و پشتیبانی‌های آموزشی لازم از سوی مربیان برای کمک به آنان در طی سطوح مختلف تحصیلی برای بروز ظرفیت‌های وجودی آنان ارائه شود.

محتوای برنامه‌ی درسی این گروه از متریان نیز در سطح متوسطه‌ی دوم با رعایت ترجیحات هوشی آنان مشابه گروه اول خواهد بود.

۳/۸/۱/۴ - سازمان استعدادهای درخشان وظیفه‌ی برنامه‌ریزی، هماهنگی با بخش‌های مختلف جامعه (مانند آموزش عالی، مراکز علمی، پژوهشی، فرهنگی، هنری و ...) و حمایت از فعالیت‌های آموزشی مدارس در ارائه‌ی خدمات ویژه به این گروه از متریان را برعهده خواهد داشت.

#### ۳/۸/۲ - دانش‌آموزان با نیازهای ویژه

۳/۸/۲/۱ - محتوای برنامه‌ی درسی برای متریان با نیازهای ویژه نیز تا پایان دوره‌ی آموزش عمومی مشترک بوده و صرفاً سطح دستیابی به نتایج یادگیری در هر یک از حوزه‌های یادگیری متناسب با توانمندی‌های آنان تعیین و خدمات حمایتی به این گروه از متریان از سوی آموزگار، آموزگار همکار، مددکار، رابط در سطح مدرسه ارائه خواهد شد.

۳/۸/۲/۲ - محتوای برنامه‌ی درسی در هر یک از حوزه‌های یادگیری برای این گروه از متریان باید زمینه‌ی استقلال عملکرد و انجام فعالیت‌های مفید در سطح جامعه را برای آنان فراهم کند.

۳/۸/۲/۳ - طول زمان آموزش برای این گروه از متریان منعطف بوده و بر اساس آئین‌نامه‌های اجرایی سازمان آموزش و پرورش استثنایی تعیین خواهد شد.